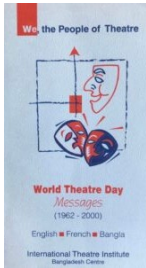


## در باره‌ی روز جهانی تاتر

به منظور بزرگداشت و گسترش هنر تاتر در سراسر جهان، در سال ۱۹۴۷ میلادی (۱۳۲۶ شمسی) نمایندگان بیست و پنج کشور دنیا، به دعوت سازمان جهانی یونسکو، انستیتوی بین المللی تاتر را بنیان نهادند. در سال ۱۹۶۱ بنا به پیشنهاد مرکز تاتر فنلاند (هلسینکی) که مورد حمایت بسیاری از کشورهای اسکاندیناوی نیز بود، روز جهانی تاتر به یونسکو پیشنهاد شد، این



پیشنهاد در نهمین کنفرانس جهانی انستیتوی بین المللی تاتر (ITI) مورد تصویب قرار گرفت و در فستیوال سالانه‌ی پاریس روز ۲۷ مارس به عنوان روز جهانی تاتر تعیین شد. از آن پس و به همین مناسبت هر ساله از سوی یونسکو و به عبارت دیگر انستیتوی بین المللی تاتر، یکی از هنرمندان مشهور جهان برای ارسال پیام انتخاب می‌شوند و یونسکو این پیام را در اختیار نمایندگان بین المللی تاتر کشورها قرار می‌دهد. نیز بنا به سنت هر ساله‌ی خویش آن



پیام را به زبان محلی برگردانده و در اختیار مطبوعات کشور و مراکز خبری قرار می‌دهند. از سال ۱۹۶۲ که ارسال پیام مرسوم شد، تا کنون هنرمندان بسیاری بدین مناسبت برای این کار انتخاب شدند که از جمله می‌توان افرادی چون ژان کوکتو (۱۹۶۲)، آرتور میلر (۱۹۶۳)، لورنس الیویه (۱۹۶۴)، هلنه وایگل (۱۹۶۷)، پیتر بروک (۱۹۶۹ و ۱۹۸۸)، اوژن یونسکو (۱۹۷۶)، مارتین اسلین (۱۹۸۹) را نام برد. در سطح بین‌المللی تا کنون دو بار



این پیامها در مجموعی به چاپ رسیده اند؛ بار نخست را مرکز انستیتوی بین المللی تاتر کشور ونزوئلا انجام داده و شامل پیامها تا سال ۱۹۹۳ است و بار دوم مرکز تاتر بنگلادش انجام داده، که در برگزیده‌ی پیامها تا سال ۲۰۰۰ است. تا کنون ۶۲ پیام بدین مناسبت از سوی هنرمندان به سراسر جهان ارسال شده است.

## سُنّت برپایی مراسم نزد ایرانیان



برگزاری و توجه به روز جهانی تاتر در ایران نیز از قدمت طولانی برخوردار است. از جمله مراکزی که روز جهانی تاتر را در دوران پهلوی دوم گرامی داشته و به همین مناسبت گه‌گاه مراسمی نیز برپا می‌کردند و یا پیام ارسالی یونسکو را به فارسی برگردانده و در در اختیار گروه‌های تاتری قرار می‌دادند. یکی مرکز هنرهای دراماتیک («مرکز ملی تاتر در ایران») و آن دیگری جامعه‌ی هنری آناییتا بود.

در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) مرکز ملی تاتر در ایران کتابی به نام «روز جهانی تئاتر» و تابستان ۱۳۵۸ آناییتا کتاب دیگری با عنوان «نگاهی به سی‌وپنج سال تاتر مبارز» بدین مناسبت منتشر کردند. هر دو کتاب ضمن ترجمه برخی از پیامها تا سال ۱۹۶۷ نگاهی به تاریخچه‌ی روز جهانی تاتر داشته‌اند و گزارش‌هایی از مراسم روز جهانی تاتر در ایران را نیز منعکس ساختند.



شماری از ایرانیان اهل تاتر در خارج از کشور هم، از جمله در آلمان و انگلیس، روز جهانی تاتر را گرامی داشته و بدین مناسبت مراسمی نیز برپا کرده اند. در شهر کلن در آغاز گروه تاتر باربد بدین امر اقدام ورزید و از سال ۲۰۰۱ نگارنده به همراه همکارانم در هیئت تحریریه‌ی کتاب نمایش و با اعضاء گروه تاتر چهره و برخی فعالان تاتری سنت برپایی مراسم روز جهانی تاتر را تداوم بخشیدیم. اکنون پس از چند سال وقفه باز از سال ۲۰۲۲ سعی بر آن دارم تا ضمن گرامی داشت این روز، فرصتی نیز برای دیدار تاترورزان و علاقمندان این هنر مهیا سازم. امیدوارم با حضور شما و همراهی همکاران تاتری این دیدارهای سالانه همچنان ادامه یابد و هر سال به غنای آن افزوده شود.

علاقمندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر در باره‌ی «کتاب نمایش»، «گروه تاتر چهره»، «روز جهانی تاتر» و همچنین فعالیت دیگر تاترورزان ایرانی به آدرس اینترنتی ما مراجعه کنند یا با شماره تلفن همراه و امیل تماس بگیرند. آدرس‌های ارتباطی در صفحه‌ی نخست همین بروشور آمده است.

## جشن روز جهانی تاتر ۲۰۲۳



چهره برگزار می‌کند

Chehreh veranstaltet



نقال/حماسه‌خوانی  
شعر و موسیقی  
استندآپ کمدی  
فیلم  
نمایشنامه‌خوانی  
کابارت  
پیام روز جهانی تاتر  
نمایشگاه تاتر برونمرزی  
گزارش سالانه‌ی تاتر ایرانی

با یادی از  
عباس مغفوریان  
بازیگر و کارگردان  
فیلم و تاتر ایرانی  
گفتگو و خاطره  
با حضور  
شماری از  
تاترورزان ایرانی

اطلاعات: 015777539706:Info

ورود رایگان

**Datum:** Sonntag 9. April 2023  
**Zeit:** um 16:30 Uhr  
**Ort:** Alte Feuerwache,  
Melchior Str. 3, 50670 Köln  
in der Nähe von Ebertplatz  
3. Etage „kleines Forum“

**تاریخ:** یکشنبه ۹ آوریل ۲۰۲۳  
**زمان:** ساعت چهار و نیم عصر  
**مکان:** آشنشانی قدیم شهر کلن  
نزدیک «ابرت پلاتس»  
سمت چپ ساختمان، طبقه سوم

کلن، آوریل ۱۴۰۲

Köln, April 2023

آدرس‌های ارتباطی با ما  
[www.chehreh.org](http://www.chehreh.org)  
[theater-chehreh@gmail.com](mailto:theater-chehreh@gmail.com)  
004915777539706

## به همهی دوستانم، هنرمندان تاتر سراسر جهان،

سرشار از شادی این پیام روز جهانی تاتر را برایتان می‌نویسم، در شرایطی که همهی وجودم از نگرانی و اضطراب می‌لرزد. از وضعیت کنونی جهان که همهی هنرمندان تاتری و غیر تاتری زیر فشارهای مداوم آن رنج می‌برند. ناپایداری جهان امروز که نتیجه‌ی جنگها، درگیری‌ها و بلایای طبیعی است، نه تنها اثرات بسیار مخربی بر دنیای مادی ما دارد، بلکه معنویت و آرامش روانی ما انسانها را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

امروز در حالی با شما سخن می‌گویم که جهان ما همچون جزایری منزوی یا کشتی‌های مانده در مه‌ای تیره، آنهم بدون ناخدا، افقی روشن یا راهنمایی، در دریاهای خروشان سرگردان هستند. گرچه به امید رسیدن به ساحلی مطمئن به مسیر خود ادامه می‌دهند.

جهان ما هرگز اینچنین در پیوند و در عین حال تا این حد از هم گسیخته و ناساز نبوده است. این تناقض غم‌انگیزی است که بر ما تحمیل شده است. گرچه امکانات رسانه‌ای مدرن و رای مرزهای جغرافیایی عمل می‌کنند و در یک همگرایی ظاهری بسر می‌برند، اما وجود درگیری‌ها و تنش‌های جهانی مرزهای ادراک منطقی را مختل کرده و ما را از فهم جوهر واقعی انسانیت در ساده‌ترین شکل آن دور ساخته است.

تاتر در بنیان‌های خود یک کنش و عمل انسانی است که بر جوهر واقعی انسان یعنی زندگی مبتنی است. به قول پیشگام بزرگ تاتر، استانیسلاوسکی: «هرگز با گل و لای و خاک و خاشاک بیرون به درون تاتر نیایید. نگرانی‌ها، درگیری‌ها و مرافعه‌های کوچک خود، یعنی همهی آنچه زندگی شما را برهم می‌ریزند و تمرکز شما را از هنرتان منحرف می‌کنند، بیرون درب تاتر بگذارید، بعد وارد آن شوید.»

وقتی ما وارد صحنه می‌شویم، تنها با یک زندگی و به عنوان یک موجود زنده حضور می‌یابیم، اما همین زندگی توانایی بزرگی در تقسیم، ازدیاد یا تبدیل شدن به زندگی‌های دیگر را دارد. تا با آفرینش زندگی‌های بسیار، عطرش را به سراسر جهان بپراکنیم.

آنچه ما در دنیای تاتر به عنوان نمایشنامه‌نویس، کارگردان، بازیگر، طراح صحنه، شاعر، نوازنده، طراح رقص و تکنسین انجام می‌دهیم، بدون استثنا، همگی زندگی‌ای را خلق می‌کنیم که پیش از حضور ما بر روی صحنه، وجود نداشته است.



این زندگی سزاوار دستی است که آن را نگه دارد، سینه‌ی عاشقی که آن را در آغوش بگیرد، قلب مهربانی که با آن همدردی کند و ذهنی هوشیار که تداوم زندگی و زنده ماندن را مدلل کند.

اغراق نکرده‌ام اگر بگویم آنچه ما روی صحنه انجام می‌دهیم، خود کنشی زندگی‌آفرین است و آن را از نیستی می‌آفریند، همچو اخگر سوزانی که به تاریکی‌اش روشنایی و به سرمایش گرما می‌بخشد.

این ما هستیم که به زندگی تجسم و شکوه می‌بخشیم. این ما هستیم که آن را پر جنب و جوش می‌کنیم و بدان معنا می‌دهیم. این ما هستیم که امکان فهم زندگی را میسر می‌کنیم. این ما هستیم که از نور هنر برای مقابله با ظلمت جهل و افراط بهره می‌بریم. ما کسانی هستیم که آموزه‌ی زندگی را می‌پذیریم تا آن را در این جهان گسترش دهیم. برای این کار، تلاش، زمان، عرق، اشک، خون و اعصاب خود را به کار می‌گیریم، تا به این پیام متعالی برسیم که از ارزش‌های حقیقت، خوبی و زیبایی دفاع کنیم و واقعاً باور داشته باشیم که زندگی شایسته است که زندگی شود.

من امروز با شما صحبت نمی‌کنم، که تنها حرفی زده باشم یا حتی بخواهم روز جهانی تاتر، این پدر همه هنرها را جشن گرفته باشم، بلکه از شما دعوت می‌کنم دست در دست هم و شانه به شانه‌ی یکدیگر، مانند سر صحنه‌ی نمایش‌هایمان، کنار هم بایستیم و فریاد برآوریم و وجدان تمام جهان را بیدار کنیم، تا آدمی در جستجوی جوهر گمشده انسانیت خویش باشد. جوهری که سرشار از آزادی، برابری، دوستی، دلسوزی و انعطاف است. تا بتواند بدین وسیله نگاه پست توحش، نژادپرستی، درگیری‌های خونین، تفکرات خودخواهانه و افراطی را کنار بگذارد.

انسان هزاران سال است که بر روی این زمین و زیر این آسمان‌ش زندگی می‌کند و این راه را همواره ادامه خواهد داد. پس بیایید پاهای او را از منجلاب جنگ‌ها و درگیری‌های خونین بیرون بیاوریم و از او دعوت کنیم که آنها را در بیرون درب صحنه بگذارد. تا شاید انسانیت در غبار تردید نشسته‌ی ما بار دیگر به یک یقین قطعی بدل شود، تا زندگی ما را کیفیتی بخشد که به انسان بودن خود افتخار کنیم.

رسالت ما هنرمندان، حاملان مشعل روشنگری، از نخستین حضور بر روی صحنه این بوده که در خط مقدم به وسیله‌ی زیبایی، پاک‌ی و انسانیت به مصاف هر آنچه زشت، خونین و غیرانسانی است، برویم. تنها ما توانایی گسترش زندگی را داریم و نه هیچ کس دیگر. پس بیایید با هم برای یک جهان و یک انسانیت بکوشیم.

## سمیحه ایوب

## سمیحه ایوب/Samiha Ayoub

سمیحه ایوب ۸ مارس ۱۹۳۲ در شبره، محله‌ای از شهر قاهره به دنیا آمد. وی در کنار آمنه رزق، طولانی‌ترین فعالیت هنری را در تاریخ سینما و تاتر عرب دارد. هنوز پانزده ساله بود که کار حرفه‌ای خود را در سینما با فیلم «ولگرد» در سال ۱۹۴۷ آغاز کرد و از همین دوران سال‌های حضور فعالی در صحنه‌ی تاتر، سینما،



تلویزیون و رادیوی مصر داشت. سمیحه تا کنون سه بار ازدواج کرده است؛ همسر اول وی محسن سرحان و همسر دومش محمود مرسى، از بازیگران مشهور مصری بودند و همسر آخرش نمایشنامه‌نویس نامدار مصری سعدالدین واحاب بود.

سمیحه ایوب سال ۱۹۴۹ وارد موسسه‌ی عالی هنرهای دراماتیک می‌شود و در سال ۱۹۵۳ از آنجا فارغ التحصیل. یکی از اساتید وی در این دوران زکی تولیقات، بنیان‌گذار موسسه و نمایشنامه‌نویس معروف مصری بود. ایوب همزمان با تحصیل به فعالیت‌های هنری خود نیز ادامه می‌دهد. به طوری که دهه ۵۰ میلادی سال‌های درخشان حضور سینمایی او محسوب می‌شود و فیلم‌هایی چون «ساحل عشق»، «پس از بدرود» حاصل این دوران هستند.

سمیحه ایوب در اوایل دهه هفتاد میلادی به تاتر ملی مصر پیوست و از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ مدیر «تاتر مدرن» قاهره شد و در پی آن از ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۹ مدیریت تاتر ملی مصر را عهده‌دار بود. وی همزمان نیز کارگردان ارشد «تاتر ال قوامی» محسوب می‌شد.

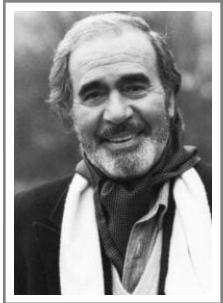
در کارنامه‌ی ۷۵ ساله‌ی سمیحه ایوب بیش از ۱۷۰ اثر هنری ثبت شده است. از هم بازی شدن با بازیگر مشهور مصری صالح ذولفقار در سال ۱۹۸۴ تا نمایش‌های مشهوری چون «دایره گچی قفقازی»، «خون بر پرده‌های کعبه» و «آگامنون». اگرچه فعالیت‌های تاتری سمیحه ایوب برجسته‌تر بوده، اما وی شهرتش را بیشتر مدیون فیلم‌هایی چون «سرزمین نفاق»، «طلوع اسلام»، «با سعادت» «در میان خرابه‌ها» و همچنین کارهای تلویزیونی چون «نور سرگردان» و «گل سرخ» است.

سمیحه ایوب از چندین رئیس‌جمهور از جمله جمال عبدالناصر، انور سادات، حافظ اسد و ژیسکار دستان نشان سپاس و افتخارات دریافت کرده است.

منابع:

سمیحه\_ایوب#روابط\_خارجیه/https://ar.wikipedia.org/wiki/سمیحه\_ایوب  
https://www.world-theatre-day.org/messageauthor.html

## به یاد عباس مغفوریان



عباس مغفوریان متولد ۲۳ دسامبر ۱۹۲۹ میلادی برابر با دوم دی ۱۳۰۸ بود. دویار کشور آلمان و شهر مونیخ را زیستگاه خویش ساخت و عاقبت روز دوشنبه ۲۳ ژانویه ۲۰۲۳ زندگی را در ۹۴ سالگی، در همان شهر، وداع گفت! در باره‌ی کودکی و تحصیلات او اطلاعات چندانی در دسترس نیست و از آنجا که اهل هیاهو و معاشرت فراوان هم نبود پس نامش در دنیای مجازی و حقیقی هم فقط پراکنده و گاهی با اختلاف منعکس شده است.

شهرت عباس مغفوریان به دلیل فعالیت هنری او در تاتر و سینمای ایران بدست آمده است. و اینها همگی پس از آن گزارش کذایی ساواک رخ داده است. می‌توان گفت که وی در هر دو عرصه‌ی سینما و تاتر فعال بود اگرچه تاتر خانه‌ی آشنای او محسوب می‌شد. حاصل فعالیت وی در عرصه‌ی سینما ۶ فیلم (فرار ۱۳۴۳/ و سوسه شیطان ۱۳۴۶/ جاده تبه‌کاران ۱۳۴۷/ پسر زاینده رود ۱۳۴۹/ خشم عقابها ۱۳۴۹/ صمد و قالیچه حضرت سلیمان ۱۳۵۰) است. البته بدین شش فیلم باید یک مجموعه با عنوان «داستانهای مولوی» از علی حاتمی را هم افزود.

اگر در سینما تنها به بازیگری قناعت می‌کند در عرصه‌ی تاتر همزمان هم به بازی و هم به کارگردانی روی می‌آورد. بر اساس مدارک موجود مغفوریان نخستین کسی است که اولین نمایشنامه‌ی محسن یلفانی یعنی «آقای آریان‌فر» را به سال ۱۳۴۵ به روی صحنه می‌برد. آن روزها یلفانی هنوز جوانی تقریباً ۱۸ ساله بود و هنرآموز بازیگری در کلاس‌های اسکویی. نمایشنامه‌ی «سیاه زنگی، دایره زنگی و مرد فرنگی» اثر پرویز کاردان را با بازیگران مشهور آن زمان همچون کشاورز، خوروش، داورفر، مطیع و بسیاری دیگر به سال ۱۳۴۸/۱۳۴۷ در تماشاخانه‌ی سنگلج/ ۲۵ شهریور به روی صحنه می‌برد. در همین دهه مغفوریان نمایش «پایان آهنگ» را با بازی سنگله، کشاورز، نصیریان، مشایخی و کاردان به روی صحنه می‌آورد. با گروه «پازارگارد» در شاهکار تنسی ویلیامز، «باغ وحش»، به کارگردانی حمید سمندریان ایفای نقش می‌کند. همچنین با منوچهر فرید، داود رشیدی، کشاورز و فرزانه تاییدی در نمایش زنده تلویزیونی «در جزیره‌ای غریب» بازی می‌کند.

## به یاد عباس مغفوریان

بر اساس کتاب دو جلدی و با ارزش «کتاب نمایش» اثر خسرو شهریاری، در ایران مغفوریان نزدیک به ۲۲ نمایش را بازی و یا کارگردانی کرده است. در برخی از نمایش‌هایش علاوه بر کارگردانی نقشی هم به عهده گرفته است. در همان دوران که نخستین تجربه‌های کارگردانی خود را با نمایشنامه‌های ایرانی از محسن یلفانی و پرویز کاردان آغاز می‌کند، نمایشنامه‌ی «پایان آهنگ» را از ویلی هال ترجمه کرده و با گروه بزرگی از بازیگران اداره برنامه تاتر به روی صحنه می‌برد. مغفوریان پس از ۱۳۵۷ دوباره راهی آلمان می‌شود. می‌داند که عرصه برایش بسیار تنگ است و امکان فعالیت بسان گذشته را نخواهد داشت. پس به شهر مونیخ که در گذشته در آنجا تحصیل کرده بود، می‌رود.

نه آشنایی خوب او با زبان آلمانی، و نه دانش و تجربه‌ی هنری‌اش هیچکدام نتوانستند انگیزه خوبی برای فعالیت جدی وی در تاتر تبعید باشند. از همین رو شناسنامه‌ی کاری او در تاتر برونمرزی چندان قابل توجه نیست. بی‌حوصله‌گی، کهلوت سن، دشواری‌های کار در خارج از کشور، امکانات



اندک و نیروهای تولیدی پراکنده مانع از تداوم کار او شدند. از سوی دیگر مغفوریان انسانی سختگیر در انتخاب نمایشنامه و بازیگر و از همه مهتر در معاشرت با دیگران بود و این در کار گروهی تاتر، آنهم در خارج از کشور، مانع بزرگ بر سر راهش محسوب می‌شد. با اینهمه در اسناد نگارنده (اصغر نصرتی-چهره) پنج نمایش از عباس مغفوریان ثبت شده است.

مغفوریان در سال ۱۹۹۰ «گروه تئاتر ایرانیان» را شکل داده و تا آخرین روزها همه‌ی تولیدات تاتری و هنری خود را در این مجموعه ارائه می‌دهد. علاوه بر عبدالله بوتیمار، داریوش شیروانی نیز از سال ۲۰۰۰ با دیگر هنرمندان ساکن مونیخ گروه وی را در عرصه‌ی موسیقی و طراحی پوستر و بروشور همراهی می‌کرد.

## به یاد عباس مغفوریان

نخستین کار نمایشی مغفوریان در خارج از کشور «غروب در دیاری غریب» اثر بهرام بیضایی است. از این نمایش اطلاعات زیادی در دست نیست. یعنی از تعداد اجراها و باقی مطالب مربوطه چیزی در دست نداریم. به غیر آنکه می‌دانیم خود عباس مغفوریان به همراه پروانه فرمانی‌پور، عبدالله بوتیمار، منوچهر اسماعیل زاده و فرهاد خواجه‌نوری در آن بازی می‌کردند.

مغفوریان «افسانه‌ی محبت» را ماه جولای ۱۹۹۲ اجرا می‌کند. در این نمایش هم عبدالله بوتیمار، عباس مغفوریان، بیتا خاشابی، پیمان خادم صبا، رضا مساحی، بابک تابسیان و کیومرث قنبری باز کرده‌اند. یک سال بعد یعنی اکتبر ۱۹۹۳، عباس مغفوریان نمایش «دیگته» را همراه نمایش «قصه‌ی ماه پنهان»، تقریباً با همان تیم نمایش پیشین، به روی صحنه می‌برد.

آخرین تلاش تاتری که نگارنده از عباس مغفوریان (به کمک داریوش شیروانی) در آرشیو تاتری خویش ثبت کرده‌ام همان تلاش کلاژ «برداشت ایرانی» است که در ۹ و ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۱ در شهر مونیخ اجرا شد و من پیش از این هم به آن اشاره کردم. مغفوریان در سال ۲۰۰۵ «در انتظار سحر» اثر محسن یلفانی را به روی صحنه می‌برد. «محبت» (۲۰۱۰)، را با برخی ابتکارات نمایشی به زبان آلمانی اجرا می‌کند.

کتور ابراهیم‌امین، مورسنگه، فرهاد خواجه‌نوری، موزیک، هوشنگ‌میشی، طرح‌پوستر اسما لوری، تنظیم موزیک، هدی هلموت، نوشته‌ی جلاسه‌ی من و اسلاو، هانا شاپورنوی، خروجه‌ی فارسی، پارانه کاکی‌پورتی، مستی، شرکت سانتورونکتیک

آبستنا کارگران و مدیرفهمه، فرهاد خواجه‌نوری

کارگران و تهیه‌کننده، عباس مغفوریان

رونه‌های آینده‌ی گروه تئاتر ایرانیان نونخ:

- ۱- افسانه‌ی محبت، اقتباس از سده‌ی هزگی، نوشته‌ی یزید زکریا، عباس جاسی تاریخ اجرا: ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۲ زونونخ
- ۲- جانسن، اثر زکریا، عباس جاسی تاریخ اجرا: ۱۱ نوامبر ۱۹۹۲
- ۳- ماجرای باغ وحش، نوشته‌ی یزید زکریا، ترجمه‌ی عباس مغفوریان
- ۴- آبستنا، نوشته‌ی آرتور شوبنر، ترجمه‌ی عباس مغفوریان
- ۵- باطل سرگشته، نوشته‌ی علی‌اصغر بیانی
- ۶- دغد، نوشته‌ی یزید زکریا، عباس جاسی
- ۷- دیگته، اثر زکریا، عباس جاسی

## غروب در دیاری غریب



نوشته‌ی بهرام بیضایی  
کارگردانی عباس مغفوریان  
ادبیات کارگردان ایرانیان نونخ

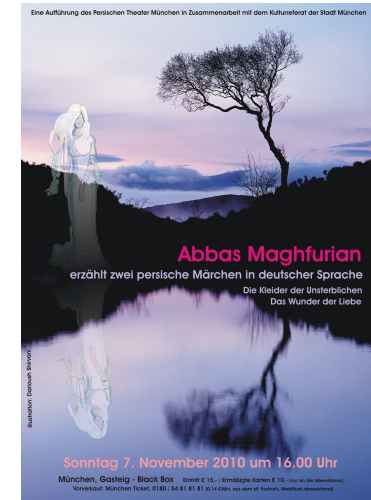
بازنمایی از نمایش‌های پیشین:

- درخشش لب‌ها
- درخشش دخت
- درخشش بهاران
- درخشش بهار
- درخشش بهار

## به یاد عباس مغفوریان

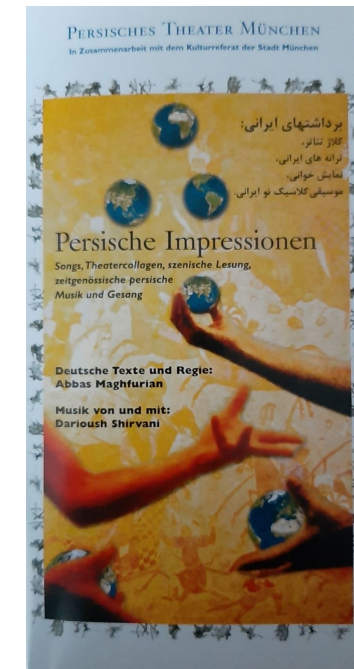
در کنار هنر بازیگری و کارگردانی مغفوریان چندین نمایشنامه هم ترجمه کرده تا به روی صحنه ببرد؛ «خواننده‌ی اپرا» از ود کیند، «طرف دیگر» اثر جک استوارت ناپ، «آخرین نیرنگ یا قتل در ساعت ۹» نوشته‌ی ژاک پابلوف و «پروفسور خیاط» اثر کلاوس هویالکه و نمایشنامه‌ی معروف و پرطرفدار ادوارد آلبی یعنی «ماجرای باغ وحش» از جمله آنها هستند.

همه‌ی این نمایشنامه‌ها را مغفوریان به قصد اجرا ترجمه کرد و به



روی صحنه هم برده است. به نظر می‌رسد نمایشنامه‌های ترجمه شده‌ی مغفوریان به چاپ نرسیده اند و هرگز شکل کتاب به خود نگرفتند. چرا که در کتابشناسی خانم لاله تقیان نامی از وی به میان نیامده است.

مغفوریان در مدت اقامت در مونیخ چند صباحی هم با مجله‌ی کاوه (به سردبیری محمد عاصمی) همکاری کرده که از نمونه کارهایش می‌توان به گزارش وی از «نمایشگاه آثار محمد تقی حوریان» در شماره ۶۴، «گفت و شنودی با آگوست اوردینگ» در شماره ۱۰ و ۱۱ و «من و تو» در شماره ۲ آن مجله اشاره کرد.



## به یاد عباس مغفوریان

با نظر به کارنامه‌ی تاتری عباس مغفوریان می‌توان گفت که وی اهل تمیز و انتخاب بوده است و به سراغ هر نمایشنامه برای ترجمه یا بازی و کارگردانی نمی‌رفته است. اما این سبب نشده است که وی از تنوع در کارهای نمایشی خود غافل بماند. چرا که هم سراغ مشاهیر غربی چون شکسپیر و برشت رفته است و هم سراغ کاردان ویلفانی. در ضمن آشنایی با برخی از نمایشنامه‌نویسان جهان را مدیون مغفوریان هستیم. که در معرفی آثار ترجمه‌های او از آنها پیش از این نام برده‌ام.

مغفوریان آرام و بی‌هیاهو، خسته و بی‌حوصله در سن ۹۴ سالگی زندگی را وداع گفت و از او همان بر روی صحنه زندگی ماند که بر روی صحنه‌ی نمایش آفریده بود: بیان زیبایی به زبان نمایش و دیگر هیچ.



### منبع:

با کمی اختصار از سایت چهره:

[https://chehreh.org/uncategorized/-عباس-مغفوریان-نیز-/  
خانواده‌ی ایرانی‌را](https://chehreh.org/uncategorized/-عباس-مغفوریان-نیز-/)

## همکاران و برنامه امروز ما

بخش نخست برنامه:

چرایی روز جهانی تاتر: نرگس وفادار

پیام روز جهانی تاتر: شعله پاکروان

درباره‌ی نویسنده پیام: سیما سید

موسیقی: تورج کوشک آبادی

استندآپ کمدی: پروانه حمیدی

استراحت اول/۱۵ دقیقه

بخش دوم برنامه:

نقالی/حماسه‌خوانی: جانان الماسی

گزارش سالانه‌ی تاتر ایرانیان: اصغر نصرتی/تهمینه رستمی

همه‌عطرهای عربستان؛ اثر آرایال، مترجم: علی امینی

نقش‌خوانان: آناهیتا ایزدی/شاپور سلیمی/ادمهر عالی‌پور

نقش‌گردان: محمدعلی بهبودی

استراحت دوم/۱۵ دقیقه

بخش سوم برنامه:

فیلم «به یاد عباس مغفوریان»: احمد نیک‌آذر

موسیقی: پژمان شیرازی و تورج کوشک آبادی

قطعه نمایشی کوتاه: سیما سید

کابارت: بهرام الهی‌نسب

صحنه‌ی آزاد: خاطرات تاتری، نقد بررسی و موسیقی و آواز

### باسپاس از همراهی دیگر همکاران

طراح پوستر: مسعود سعدالدین

تکنیک: اشکان گودرزی

تهیه‌ی اغذیه و بوفه: لایلا کریمی و افسانه قهرمانی

عکاسی و فیلمبرداری: مهرداد بابالوئی

رسانه: سونیا سلیمانی

برگزارکننده و مجری برنامه، تهیه و برگردان متون بروشور و پوستر:

اصغر نصرتی (چهره)